



دانشگاه سیام نور

روان‌شناسی سیاسی

(رشته روان‌شناسی)

سعید عبدالملکی

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از این وضعیت بارها اظهار گله و ناخشنودی نموده‌اند.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاوردهای انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب

پیشگفتار	یازده
فصل اول. تاریخچه، تعاریف و مفاهیم	۱
هدف کلی	۱
هدف‌های یادگیری	۱
مقدمه	۲
۱-۱ تعریف روان‌شناسی	۲
۲-۱ مفهوم سیاست	۴
۱-۲-۱ چند تعریف کوتاه از سیاست	۶
۳-۱ تعریف روان‌شناسی سیاسی	۷
۴-۱ ریشه‌های تاریخی	۹
۵-۱ روند شکل‌گیری	۱۱
۶-۱ خدمات روان‌شناسی به سیاست	۱۳
۷-۱ روش‌های سنجش و ارزیابی	۱۴
خلاصه فصل اول	۱۶
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل اول	۱۹
خودآزمایی تشریحی فصل اول	۲۱
فصل دوم. پارادایم‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی سیاسی	۲۳
هدف کلی	۲۳
هدف‌های یادگیری	۲۳
مقدمه	۲۴
۱-۲ پارادایم وضعیت‌گرا/محیط‌گرا	۲۵
۱-۲-۱ آزمایش‌های استنلی میلگرام	۲۵

۲۷	۲-۱-۲ نظریه زیمناردو.....
۲۹	۳-۱-۲ آزمایش استنفورد.....
۲۹	۴-۱-۲ نظریه رفتارگرایی.....
۳۱	۲-۲ پارادایم فردگرا/طبع‌گرا.....
۳۱	۱-۲-۲ نظریه زیگموند فروید.....
۳۴	۲-۲-۲ نظریه آلفرد آدلر.....
۳۵	۳-۲-۲ نظریه کارن هورنای.....
۳۷	۴-۲-۲ نظریه کارل یونگ.....
۴۱	۵-۲-۲ نظریه اریک اریکسون.....
۴۳	۶-۲-۲ نظریه اریک فروم.....
۴۴	۳-۲ پارادایم کل‌نگر.....
۴۵	۱-۳-۲ نظریه میدانی.....
۴۶	خلاصه فصل دوم.....
۴۹	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوم.....
۵۱	خودآزمایی تشریحی فصل دوم.....
۵۳	فصل سوم. شخصیت، هویت و جامعه‌پذیری سیاسی.....
۵۳	هدف کلی.....
۵۳	هدف‌های یادگیری.....
۵۴	مقدمه.....
۵۴	۱-۳ رابطه شخصیت و سیاست.....
۵۹	۲-۳ تیپ شخصیتی اقتدارطلب.....
۶۱	۳-۳ تیپ شخصیتی ماکیاولی.....
۶۲	۴-۳ سنخ‌های منشی سازنده و غیرسازنده.....
۶۳	۱-۴-۳ جهت‌گیری گیرنده.....
۶۳	۲-۴-۳ جهت‌گیری بهره‌کش.....
۶۳	۳-۴-۳ جهت‌گیری محترک.....
۶۳	۴-۴-۳ جهت‌گیری بازاری.....
۶۵	۵-۳ نظریه دیوید باربر.....
۶۶	۱-۵-۳ فعال / مثبت‌گرا.....
۶۶	۲-۵-۳ فعال / منفی‌گرا.....
۶۶	۳-۵-۳ منفعل / مثبت‌گرا.....
۶۶	۴-۵-۳ منفعل / منفی‌گرا.....
۶۸	۶-۳ هویت.....
۶۸	۱-۶-۳ هویت اجتماعی.....
۶۹	۲-۶-۳ هویت ملی.....

۷۱	۷-۳ جامعه‌پذیری سیاسی.....
۷۲	۱-۷-۳ نقش خانواده.....
۷۳	۲-۷-۳ نقش مدرسه.....
۷۳	۳-۷-۳ نقش رسانه.....
۷۳	۴-۷-۳ نقش شرطی‌سازی عامل.....
۷۴	خلاصه فصل سوم.....
۷۷	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل سوم.....
۷۸	خودآزمایی تشریحی فصل سوم.....
۷۹	فصل چهارم. روان‌شناسی رهبران و نخبگان سیاسی.....
۷۹	هدف کلی.....
۷۹	هدف‌های یادگیری.....
۸۰	مقدمه.....
۸۱	۱-۴ رهبران و پیروان از دیدگاه روانکاوی.....
۸۱	۱-۱-۴ رهبران.....
۸۲	۲-۱-۴ پیروان.....
۸۳	۲-۴ نظریه لاسول درباره رهبری سیاسی.....
۸۵	۱-۲-۴ ریخت آشوبگر.....
۸۶	۲-۲-۴ ریخت اصلاحگر.....
۸۶	۳-۲-۴ ریخت مدیر.....
۸۷	۳-۴ شرح حال روانی برخی از رهبران و نخبگان سیاسی.....
۸۷	۱-۳-۴ وودرو ویلسون.....
۸۹	۲-۳-۴ لیندون جانسون.....
۹۱	۳-۳-۴ جورج بوش (بوش پسر).....
۹۲	۴-۳-۴ آدولف هیتلر.....
۹۳	۵-۳-۴ محمدرضا پهلوی.....
۹۴	۶-۳-۴ معمر قذافی.....
۹۴	۷-۳-۴ ژوزف استالین.....
۹۵	۸-۳-۴ وینستون چرچیل.....
۹۶	۹-۳-۴ فیدل کاسترو.....
۹۶	۴-۴ مطالعات موردی.....
۱۰۰	۵-۴ الگوی رهبری فرهمند.....
۱۰۲	۶-۴ روان‌شناسی نخبگان سیاسی.....
۱۰۴	خلاصه فصل چهارم.....
۱۰۶	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل چهارم.....
۱۰۸	خودآزمایی تشریحی فصل چهارم.....

فصل پنجم. عاطفه، هیجان و نگرش.....	۱۰۹
هدف کلی.....	۱۰۹
هدف‌های یادگیری.....	۱۰۹
مقدمه.....	۱۰۹
۱-۵ عاطفه و هیجان.....	۱۱۰
۱-۱-۵ آیا هیجانات «غیرعقلانی» هستند؟.....	۱۱۳
۲-۱-۵ شناخت گرم و شناخت سرد.....	۱۱۴
۳-۱-۵ هیجانات و رفتار سیاسی.....	۱۱۵
۲-۵ نگرش سیاسی و چگونگی تغییر آن.....	۱۱۷
۱-۲-۵ نگرش.....	۱۱۷
۲-۲-۵ اجزاء نگرش سیاسی.....	۱۱۷
۳-۲-۵ ویژگی‌های نگرش سیاسی.....	۱۲۰
۴-۲-۵ عوامل مؤثر بر تغییر نگرش سیاسی.....	۱۲۰
خلاصه فصل پنجم.....	۱۲۲
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل پنجم.....	۱۲۵
خودآزمایی تشریحی فصل پنجم.....	۱۲۶
فصل ششم. زیست‌شناسی، مغز و شناخت.....	۱۲۷
هدف کلی.....	۱۲۷
هدف‌های یادگیری.....	۱۲۷
مقدمه.....	۱۲۸
۱-۶ زیست‌شناسی.....	۱۲۸
۱-۱-۶ زیست سیاسی.....	۱۲۹
۲-۶ مغز.....	۱۳۰
۱-۲-۶ نتایج یافته‌ها.....	۱۳۲
۲-۲-۶ چند آزمایش.....	۱۳۳
۳-۶ شناخت.....	۱۳۵
۱-۳-۶ نظریه انسجام شناختی.....	۱۳۶
۲-۳-۶ نظریه اسنادی.....	۱۳۷
۳-۳-۶ نظریه طرح‌واره.....	۱۳۸
۴-۳-۶ استدلال قیاسی.....	۱۴۰
خلاصه فصل ششم.....	۱۴۱
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل ششم.....	۱۴۴
خودآزمایی تشریحی فصل ششم.....	۱۴۵

فصل هفتم. رسانه‌های جمعی، تبلیغات، شایعه و افکار عمومی.....	۱۴۷
هدف کلی.....	۱۴۷
هدف‌های یادگیری.....	۱۴۷
مقدمه.....	۱۴۸
۱-۷ رسانه.....	۱۴۸
۱-۱-۷ رسانه و سیاست.....	۱۴۹
۲-۷ تبلیغات.....	۱۵۰
۱-۲-۷ تعریف تبلیغات.....	۱۵۱
۲-۲-۷ نظریه‌های تبلیغات رسانه‌ای.....	۱۵۲
۳-۲-۷ تبلیغات سیاسی.....	۱۵۳
۴-۲-۷ پروپاگاندا ی غیرمستقیم.....	۱۵۴
۳-۷ شایعه.....	۱۵۶
۱-۳-۷ یافته‌های روان‌شناسی.....	۱۵۸
۴-۷ افکار عمومی.....	۱۶۱
۱-۴-۷ مطالعه افکار عمومی.....	۱۶۱
۲-۴-۷ مبانی روان‌شناختی افکار عمومی.....	۱۶۲
خلاصه فصل هفتم.....	۱۷۰
خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل هفتم.....	۱۷۳
پرسش‌های تشریحی فصل هفتم.....	۱۷۵
فصل هشتم. روان‌شناسی احزاب سیاسی و رفتار انتخاباتی.....	۱۷۷
هدف کلی.....	۱۷۷
هدف‌های یادگیری.....	۱۷۷
مقدمه.....	۱۷۸
۱-۸ تعریف حزب.....	۱۷۸
۲-۸ چگونگی پیدایش احزاب.....	۱۷۹
۳-۸ کارکرد احزاب.....	۱۷۹
۴-۸ ریشه‌های روان‌شناختی گرایش به احزاب.....	۱۸۰
۱-۴-۸ انگیزش و تحریک‌پذیری.....	۱۸۰
۲-۴-۸ تلقین‌پذیری و زودباوری.....	۱۸۱
۳-۴-۸ مبالغه و یک‌جانبه‌گرایی.....	۱۸۱
۵-۸ حزب و افکارسازی.....	۱۸۱
۶-۸ حزب و مدیریت تعارض.....	۱۸۲
۷-۸ حزب و انتخابات.....	۱۸۳
۸-۸ روان‌شناسی رفتار انتخاباتی.....	۱۸۴
۱-۸-۸ نظریه هویت حزبی.....	۱۸۵

۱۸۶	۲-۸-۸ طرح‌واره سیاست‌مدار.....
۱۸۷	۳-۸-۸ تیپ‌شناسی رأی‌دهندگان.....
۱۸۸	۴-۸-۸ انگیزه خودعلاقه‌مندی.....
۱۹۰	۵-۸-۸ فرضیه رفتار تقلیدی.....
۱۹۱	۶-۸-۸ نفوذ اجتماعی.....
۱۹۳	۷-۸-۸ افکار عمومی.....
۱۹۴	خلاصه فصل هشتم.....
۱۹۷	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل هشتم.....
۱۹۸	خودآزمایی تشریحی فصل هشتم.....
۱۹۹	فصل نهم. افراطی‌گری و تروریسم.....
۱۹۹	هدف کلی.....
۱۹۹	هدف‌های یادگیری.....
۱۹۹	مقدمه.....
۲۰۰	۱-۹ افراطی‌گری.....
۲۰۲	۲-۹ تروریسم.....
۲۰۳	۳-۹ آسیب‌شناسی روانی تروریسم.....
۲۰۵	۴-۹ برخی از اختلالات روانی و شخصیت.....
۲۰۵	۱-۴-۹ اسکیزوفرنی.....
۲۰۶	۲-۴-۹ پارانویا.....
۲۰۷	۳-۴-۹ خودشیفتگی.....
۲۰۸	۴-۴-۹ شخصیت ضداجتماعی.....
۲۰۹	۵-۴-۹ مرگ‌پرستی.....
۲۱۰	۶-۴-۹ ناکامی - خشونت.....
۲۱۱	۷-۴-۹ شخصیت اقتدارطلب.....
۲۱۲	خلاصه فصل نهم.....
۲۱۴	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل نهم.....
۲۱۵	خودآزمایی تشریحی فصل نهم.....
۲۱۷	پاسخنامه خودآزمایی‌های چهارگزینه‌ای.....
۲۱۹	واژه‌نامه.....
۲۲۳	منابع.....

پیشگفتار

وضع و حال روان‌شناسی در دنیای امروز و به‌ویژه در کشور ما وضع و حالی پرمشغله و درعین‌حال مساعد است. این رشته به‌شدت در حال پیشروی است و هرچند وقت یک‌بار حوزه‌ای از زندگی فردی و جمعی ما را در بر می‌گیرد و در زمینه‌ای خاص چیز جدیدی رو می‌کند. از روان‌شناسی دین گرفته که به‌بعد معنوی و متافیزیک زندگی انسان و ارتباطش با آسمان می‌پردازد تا روان‌شناسی محیط‌زیست که به‌واقعیت‌های زندگی زمینی و تأثیر این واقعیت‌ها بر ذهن و رفتار انسان‌ها می‌پردازد. به‌عبارت‌دیگر تأثیر آسمان و زمین بر روان انسان و برعکس را پوشش می‌دهد.

سیاست نیز همچون سایر موضوعات دیگر موردتوجه روان‌شناسی است و صدالبته حوزه سیاست نیز به‌شدت نیازمند روان‌شناسی است. این رابطه و نیاز دوسویه، موجب پدیدآمدن رشته مطالعاتی جدیدی تحت عنوان «روان‌شناسی سیاسی» شده است. ازاین‌رو این رشته مطالعاتی دانشی بین‌رشته‌ای به‌شمار می‌رود که به‌هراندازه که به‌روان‌شناسی مربوط است، به‌همان اندازه نیز از علوم سیاسی و زمینه‌های وابسته آن متأثر است. این رشته در دو سطح نخبگان و مردم عادی فعالیت می‌کند. نخبگان به‌عنوان تصمیم‌گیران مهم جوامع بشری که خروجی سیاست‌های تئوری و عملی‌شان می‌تواند سرنوشت افراد و کشورها را رقم بزند و مردم عادی به‌مثابه افرادی که رفتارهای سیاسی‌شان - همچون پدیدآوردن جنبش‌ها و انقلاب‌ها و رفتار رأی‌دهی - تعیین‌کننده است، موردبررسی و مطالعه ویژه روان‌شناسی سیاسی هستند.

از آن روز که سنگ بنای اولیه روان‌شناسی توسط مریام، لاسول و فروید گذاشته شد تا به امروز قریب یک قرن از عمرش می‌گذرد. اما در کشور ما - به‌رغم ضرورت حضورش - گویا تازه متولدشده و جایگاه ملموس و قابل قبولی نداشته‌است. اکنون که به‌عنوان واحد درسی دانشگاهی مصوب شده‌است، حرکتی مثبت و قابل تقدیر است. کتاب حاضر در راستای همین امر و براساس سرفصل‌های مصوب وزارت علوم و در قالب استانداردهای تدوین کتب درسی دانشگاه پیام نور تألیف شده و اصل خودآموز بودن تا حد امکان اعمال شده‌است. در پایان از استادان، دانشجویان و سایر خوانندگان گرامی تقاضامندم نکات و انتقادات خود را از طریق رایانامه زیر به‌مؤلف گوشزد کنند.

سعید عبدالملکی

عضو هیئت علمی گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور

رایانامه: S_Abdolmalaki@Yahoo.Com

فصل اول

تاریخچه، تعاریف و مفاهیم

پادشاهی را شنیدم به کشتن اسیری اشارت کرد
بیچاره در آن حالت نومیدی ملک را دشنام دادن
گرفت و سقط گفتن که گفته اند: «هر که دست از
جان بشوید هر چه در دل دارد بگوید.»
سعدی، کتاب گلستان

هدف کلی

آشنایی با تاریخچه، تعریف و مفهوم روان‌شناسی سیاسی

هدف‌های یادگیری

از شما دانشجوی محترم انتظار می‌رود پس از مطالعه این فصل بتوانید:

۱. روان‌شناسی را تعریف کنید.
۲. سیاست را تعریف کنید.
۳. روان‌شناسی سیاسی را توضیح دهید.
۴. ریشه‌های تاریخی روان‌شناسی سیاسی را شرح دهید.
۵. روند شکل‌گیری روان‌شناسی سیاسی را توضیح دهید.
۶. خدمات روان‌شناسی به سیاست را تبیین کنید.
۷. روش‌های تحقیق، سنجش و ارزیابی در روان‌شناسی سیاسی را شرح دهید.

مقدمه

پرداختن به هر موضوع مهمی نیازمند آن است که در ابتدا مبانی، مفاهیم، گزاره‌ها و روندها و فرایندهای شکل‌گیری آن را به‌طور کلی بفهمیم تا در ابتدای مسیر، چشم‌انداز روشنی از آن در پیش روی خود ببینیم. از این‌رو در این فصل سعی کرده‌ایم مبانی و گزاره‌های اولیه روان‌شناسی و سیاست و نیز روان‌شناسی سیاسی را بشکافیم تا در مراحل بعد چراغ‌به‌دست به‌بررسی و تحلیل موضوعات گوناگون این حوزه مهم بپردازیم.

۱-۱ تعریف روان‌شناسی

گفته شده است که واژه روان‌شناسی که ترجمه واژه psychology انگلیسی و psychologie فرانسه است؛ از دو کلمه یونانی psyche به معنی «روح» و logos به معنی «بیان کردن» اقتباس شده است که بعدها در فلسفه شرق واژه علم‌النفس و سپس ترجمه آن به فارسی به صورت روان‌شناسی درآمده است (کریمی، ۱۳۹۲).

روان‌شناسی^۱، رفتار^۲ و فرایندهای ذهنی^۳ را به نحوی مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهد. فرایندهای ذهنی شامل افکار، احساسات و انگیزه‌هاست. در کل به هر فعالیت قابل مشاهده ارگانیسم (موجود زنده)، رفتار گویند.

خاستگاه‌های تاریخی روان‌شناسی را می‌توان تا فلاسفه بزرگ یونان باستان پی گرفت. مشهورترین آنانسقراط، افلاطون و ارسطو بودند که پرسش‌هایی بنیادین درباره زندگی روانی آدمی مطرح کردند:

هوشیاری چیست؟

آدمیان ذاتاً منطقی هستند یا غیر منطقی؟

آیا چیزی به نام انتخاب آزاد وجود دارد؟

این‌گونه سؤال‌ها امروزه نیز همانند هزار سال پیش درخور اهمیت‌اند. این سؤال‌ها با ماهیت ذهن و فرایندهای ذهنی و روانی سروکار دارند و از عناصر اصلی رویکرد شناختی در روان‌شناسی محسوب می‌شوند.

1. Psychology
2. Behavior
3. Mental Process

بقراط که غالباً «پدر پزشکی» نامیده می‌شود - معاصر سقراط بوده است - علاقه وافری به فیزیولوژی داشت. بقراط مشاهدات مهمی درباره نحوه کنترل مغز بر اندام‌های بدن انجام داد. آن مشاهدات زمینه‌ساز رویکرد زیست‌شناختی در روان‌شناسی است. یکی از نخستین مناقشه‌ها در حوزه روان‌شناسی که در روزگار ما نیز همچنان داغ است، در این کلام خلاصه می‌شود که: آیا توانایی‌های آدمیان فطری است یا از طریق تجربه کسب می‌شود. در دیدگاه فطری‌نگری گفته می‌شود که آدمیان با گنجینه‌ای از دانش و توان فهم واقعیت زاده می‌شوند.

فیلسوفان آغازین بر این باورند که دانش و فهم آدمی از طریق استدلال و درون‌نگری دقیق دست‌یافتنی است. در قرن هفدهم، دکارت برخی اندیشه‌ها (از قبیل شناخت خدا، خویشتن، اصول بدیهی، هندسه، کمال و بی‌نهایت) را فطری به‌شمار می‌آورد. همچنین دکارت معتقد بود که بدن آدمی یک ماشین است و مثل هر ماشین دیگر قابل بررسی است. این دیدگاه سرآغاز رویکردهای پردازش اطلاعات^۱ درباره ذهن انسان است.

دیدگاه تجربه‌گرایی^۲ بر آن است که دانش از طریق تجربه‌ها و تعامل آدمی با جهان بیرون کسب می‌شود. این دیدگاه عمده‌تاً با نام جان لاک^۳ فیلسوف انگلیسی سده هفدهم پیوند دارد. لاک معتقد بود که ذهن آدمی در بدو تولد همچون لوح نانوشتی است که تجربه‌های جریان رشد او، دانش و فهم را بر آن ثبت می‌کنند. این دیدگاه سرآغاز پیدایش روان‌شناسی تداعی‌گرا^۴ بود. تداعی‌گرایان وجود اندیشه‌ها و توانایی‌های فطری را قبول نداشتند، بلکه در عوض، بر آن بودند که ذهن از اندیشه‌هایی انباشته می‌شود که از طریق حواس به آن راه می‌یابند و طبق اصولی از قبیل مشابهت و تضاد به هم پیوند می‌یابند. پژوهش‌های کنونی در زمینه حافظه و یادگیری، با نظریه آغازین تداعی‌گرایی پیوند دارند.

مناقشه بین فطری‌نگری و تجربه‌گرایی امروزه تحت عنوان مناقشه طبیعت - تربیت^۵ ادامه دارد. هرچند هنوز برخی از روان‌شناسان معتقدند که اندیشه و رفتار اساساً

1. Information Processing Approach

2. Empiricism

3. John Locke

4. Associationism

5. Natur - Nurture

محصول تجربه یا اساساً برخاسته از عوامل زیست‌شناختی است، اما اکثر روان‌شناسان رویکردی تلفیقی دارند، حاکی از اینکه فرایندهای زیست‌شناختی (از قبیل وراثت یا فرایندهای مغزی) بر اندیشه‌ها، احساس‌ها و رفتار اثر می‌گذارد. اما تجربه نیز بر این پدیده‌ها تأثیرگذار است.

آغاز روان‌شناسی علمی را معمولاً مقارن با تأسیس نخستین آزمایشگاه روان‌شناسی به دست ویلهلم وونت^۱ در دانشگاه لایپزیک آلمان به سال ۱۸۷۹ می‌دانند. خاستگاه تأسیس آزمایشگاه وونت این باور بود که ذهن و رفتار را نیز همانند سیاره‌ها و مواد شیمیایی یا اندام‌های بدن آدمی می‌توان با روش‌های علمی بررسی و تحلیل کرد. پس از آن مکاتب و نظریه‌های گوناگونی یکی پس از دیگری سر برآوردند که سه نوع از مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از: روانکاوی که به مطالعه ناهوشیار انسان پرداخت، رفتارگرایی که بر اساس مشاهده رفتار آشکار به بررسی و شناخت انسان دست زد و انسان‌گرایی که به قدرت اراده انسان و تمایل فطری او به سمت شکوفاشدن قائل بود.

۱-۲ مفهوم سیاست

واژه «سیاست»^۲ دارای تعاریف مختلفی است که هر کس بنابر مکتب فکری خود، آن را تعریف و تفسیر کرده است. در لغت، سیاست از ریشه «سائس» و «ساس» است و معنای آن، رعیت‌داری و نگرانی آن‌هاست. در لغتنامه دهخدا سیاست به معنای پاسداشت ملوک، حفاظت و نگهداری، حراست، حکمراندن بر رعیت، رعیت‌داری کردن، حکومت، ریاست و داوری آمده است.

در اساس اللغة آمده است: «فرماندار کسی است که رعیت و امور مربوط به آن‌ها را سیاست کند» و می‌گویند: «فلان شخص امور قبیله‌اش را سیاست نمود، یعنی بر قبیله خود ریاست کرد».^۳

ابوالقاء کلمه سیاست را این‌چنین معنا کرده است: «سیاست عبارت است از حفظ مصالح ملت و نشان دادن راه نجات در حال و آینده».^۴

1. Wilhelm Wundt
2. Politic

۳. اساس اللغة، زمخشری
۴. کلیات ابوالقاء، ابوالقاء

در زبان‌های اروپایی واژه سیاست (politics) از واژه یونانی پولیس (polis) به معنی شهر گرفته شده است. از نظر ارسطو، شهر موضوع علم سیاست بود (طاهری، ۱۳۹۱).

فرهنگ لیتره^۱، به سال ۱۸۷۰، سیاست را چنین تعریف می‌کند: «علم حکومت بر کشورها». فرهنگ روبر^۲ به سال ۱۹۶۲ در همین مورد می‌گوید: «فن و عمل حکومت بر جوامع انسانی».

مک آیور در کتاب جامعه و حکومت، سیاست را به معنای اعمال قدرت و تشکیلات متمرکز معرفی می‌کند.

فئودور بورلاتسکی نیز در تعریف سیاست می‌نویسد:

«مفهوم قدرت، محور تئوری سیاسی و مطالعه پروسه‌های سیاسی مشخص است.

این مفهوم کلید درک نهادهای سیاسی، جنبش‌های سیاسی و خود سیاست است».

برتراند راسل نیز در کتاب قدرت، سیاست را به معنای قدرت تعریف می‌کند. رابرت دال هم سیاست را به معنای اقتدار و قدرت می‌داند. نیچه نیز می‌گوید: «قدرت نخستین حق را به دست می‌دهد و هیچ حقی نیست که در باطن نوعی گستاخی، غضب و خشونت نباشد».

سیاست‌نویسان ایرانی نیز سیاست را به معنای حفظ قدرت به منظور ایجاد نظم و امنیت می‌دانستند؛ از جمله خواجه نظام‌الملک در سیاست‌نامه و جاحظ در التاج و عنصرالمعالی کیکاووس بن قابوس بن وشمگیر در قابوس‌نامه این تعریف را ارائه کرده‌اند.

اندیشمندان و متفکران اسلامی با توجه به آموزه‌های اسلامی، سیاست را کم‌وبیش با واژه‌های تدبیر، هدایت، سعادت، فضیلت و خیر برین تعریف کرده‌اند؛ چنان‌که فارابی، حاصل خدماتی را که حاکم برای نشر فضائل و اخلاق و به منظور رسیدن به سعادت انجام می‌دهد سیاست می‌نامد:

راه ایجاد فضیلت در وجود انسان آن است که افعال و سنن فاضله، پیوسته در شهرها و میان امت‌ها رایج و شایع باشد. این کار امکان‌پذیر نیست، مگر به وسیله حکومتی که در پرتو آن، این افعال و سنن و ملاکات اخلاقی در شهرها و در میان مردم رواج یابد. حاصل این خدمت را سیاست گویند.

1. Littre

2. Robert

غزالی نیز سیاست را ابزاری می‌داند که انسان را به‌خداوند می‌رساند. خواجه‌نصیرالدین طوسی نیز در /اخلاق ناصری/ سیاست را مترادف با تدبیر قرار می‌دهد و آن را به‌تدبیر منزل، تدبیر خُدم و عُبد، تدبیر اولاد، تدبیر مُلّٰن و غیره تقسیم و همه را جزء حکمت عملی قلمداد می‌کند.

۱-۲-۱ چند تعریف کوتاه از سیاست

علم و هنر حکومت؛ علمی که به‌شکل، تشکیلات و مدیریت یک دولت یا بخشی از یک دولت و مقررات ناظر بر روابط آن با دولت‌های دیگر می‌پردازد (فرهنگ انگلیسی آکسفورد). سیاست عبارت است از خودآگاهی انسان به‌محیط و جامعه و سرنوشت مشترک و زندگی مشترک خود و جامعه‌هایی که در آن زندگی می‌کند و به‌آن وابسته است (علی شریعتی).

راهی برای حکومت بر جوامع متشتت، از طریق روندی شامل بحث و بری از خشونت غیرلازم (برنارد کریک).

حرکت دادن انسان‌ها، انسان‌های دیگر را (برتران د ژو ونال).

تخصیص اقتدارآمیز ارزش‌ها (دیوید ایستن).

سیاست، تصمیم‌گیری درباره‌ی رویدادهای ناهمگون در جامعه است (ریمون آرون).

سیاست علمی است که به‌ما می‌آموزد چه کسی می‌برد، چه می‌برد، کجا می‌برد، چگونه می‌برد و چرا می‌برد؟ (هارولد لاسول).

سیاست عبارت است از مدیریت و توجیه و تنظیم زندگی اجتماعی انسان‌ها در مسیر حیات معقول (محمدتقی جعفری).

سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را مدنظر بگیرد و این‌ها را هدایت کند به‌طرف آن چیزی که صلاحشان است (امام خمینی (ره)).

همان‌طور که پیداست، در تعریف سیاست، اندیشمندان بر نکات گوناگونی انگشت تأکید نهاده‌اند. برخی از اندیشمندان به‌غایتی که به‌نظر آن‌ها سیاست باید در پیش بگیرد، توجه کرده و بر آن اساس سیاست را تعریف کرده‌اند. برای مثال برخی پژوهشگران مفهوم‌های دولت^۱ یا حکومت^۲ را در سیاست مهم دانسته‌اند و همین امر، در

1. State

2. Government

تعریف آن‌ها از علم سیاست بازتاب یافته است. به طوری که گفته شده است علم سیاست را می‌توان علم دولت یا رشته‌ای از علوم اجتماعی تعریف کرد که مربوط به تئوری سازمان‌ها، حکومت‌ها و اعمال دولت است (کلایمر وودی، ۱۳۵۱).

برخی نیز در تعریف سیاست، قدرت را مفهوم اساسی دانسته‌اند، به طوری که گفته شده است سیاست علمی است که همه شکل‌های رابطه قدرت را در مکان و زمان‌های گوناگون بررسی می‌کند و جهت و چگونگی اعمال این قدرت را می‌نمایاند (ابوالحمد، ۱۳۸۴).

سیاست چه به عنوان علم قدرت یا شیوه اداره امور دولت و جامعه، قبل از هر چیز یک معرفت است که در پی شناخت زوایای مبهم و تاریک ذهن، روان، رفتار و نیت انسان در تعامل مستمر با جامعه و حکومت است. اینکه انسان در زندگی فردی و جمعی خود چگونه می‌اندیشد، تصمیم می‌گیرد، اطاعت می‌کند، به عصیان و خشونت کشیده می‌شود، دروغ می‌گوید، ظلم می‌کند، عشق می‌ورزد، کار خیر می‌کند، راستی و درستی پیش می‌گیرد، همه از سلسله‌اموری است که مستلزم بررسی‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، انسان‌شناختی، مردم‌شناختی، گفتمانی و مانند این‌هاست (کاظمی، ۱۳۸۶).

۱-۳ تعریف روان‌شناسی سیاسی

روان‌شناسی سیاسی^۱ را می‌توان به سادگی مطالعه تعامل بین سیاست و روان‌شناسی، به ویژه تأثیر روان‌شناسی بر سیاست تعریف کرد. روان‌شناسی سیاسی در واقع دانشی بین‌رشته‌ای قلمداد می‌شود که به هر اندازه که به روان‌شناسی مربوط است، به همان اندازه نیز از علوم سیاسی متأثر است.

روان‌شناسی سیاسی علم بررسی نحوه تعامل پدیده‌های روان‌شناختی و پدیده‌های سیاسی در یک شخص یا گروه خاص در زمان، مکان، نظام و فرهنگ سیاسی خاص است. هدف روان‌شناسی سیاسی از یک سو شناخت تأثیر عوامل روان‌شناختی بر پدیده‌های سیاسی و از سوی دیگر شناخت تأثیر پدیده‌های سیاسی بر جنبه‌های روان‌شناختی انسان است (تمدنی، ۱۳۸۵). برخی پدیده‌های روانی عبارت‌اند از: انگیزش، هیجان، باورها، سبک‌های شناختی، احساس و ادراک، علائق، ارزش‌ها،

1. Political Psychology

جنبه‌های زیستی، تجربه‌های پیشین فردی، گروهی و حتی فرهنگی و برخی از پدیده‌های سیاسی عبارت‌اند از: رفتار رأی‌دهی، شورش، انقلاب، تروریسم، افکار عمومی، تصمیم‌گیری و مدیریت، روابط بین‌الملل، جامعه‌پذیری سیاسی، رهبری سیاسی، حل تعارض و مانند آن.

روان‌شناسی سیاسی میدانی جدید در علوم سیاسی و روان‌شناسی است که ما را در توضیح بسیاری از جنبه‌های رفتار سیاسی توانا می‌سازد. این رفتارها ممکن است به‌نظر مرضی برسند یا تصمیم‌گیری‌های عادی باشند که بعضی از آنها مناسب و برخی نامناسب‌اند. روان‌شناسان و دانشمندان علوم سیاسی به‌تدریج راغب شده‌اند که دانش خود را در زمینه مسائل و مشکلاتی که همه به آنها علاقه‌مندند، گسترش دهند. مواردی چون تصمیم‌گیری نخبگان درباره سیاست خارجی و داخلی، تعارضات - شامل طیف وسیعی از خشونت نژادی تا جنگ‌ها و نسل‌کشی، تروریسم و افکار نژادپرستانه - و رفتارهای صلح‌جویانه‌تری مانند رأی‌دادن، نمونه‌های بسیاری از مشکلات و مسائلی است که به‌طور سنتی موردتوجه علوم سیاسی است. برای مثال، اگر ما محدودیت توانایی سیاست‌گذاران را در تشخیص میزان اهمیت جنبه‌های خاص اطلاعات درک کنیم، می‌توانیم بفهمیم که آنها از عهده کدام‌ها به‌خوبی برمی‌آیند و در کدام موقعیت‌ها به‌کمک و مشورت دیگران نیاز دارند. اگر ما بفهمیم چه چیزی تروریست‌ها را برمی‌انگیزد تا دست به‌عمل بزنند، خواهیم توانست راه‌های اثر گذاشتن بر انگیزه‌های آنها را بیابیم و بدین‌ترتیب، با تروریسم مقابله کنیم. یکی از هدف‌های روان‌شناسی سیاسی، وضع قوانین عمومی رفتار است که به توضیح و پیش‌بینی رویدادهایی کمک می‌کند که در موقعیت‌های گوناگون رخ می‌دهد (کاتم^۱ و همکاران، ۱۳۸۶).

در روان‌شناسی سیاسی، دو اردوگاه متمایز وجود دارد. اردوگاه اول به‌بررسی رفتار توده‌ها علاقه‌مندند، مانند اینکه مردم چگونه رأی می‌دهند، تأثیر افکار عمومی بر سیاست‌های حکومتی چیست و پرسش‌هایی از این‌قبیل. اردوگاه دیگر، به رفتار نخبگان و اینکه چگونه ادراکات نخبگان به سیاست‌های حکومت شکل می‌دهند، تأثیر شخصیت بر رهبری، تصمیم‌گیری سیاست خارجی و دیگر موارد توجه می‌کنند. به‌صورت خلاصه، تبیین‌های روان‌شناسی اجتماعی از رفتار سیاسی متفاوت از تبیین‌های روان‌شناسی

1. Martha Cottam

شناختی و سنت قدیمی‌تر روان‌شناسی ناپهنجاری^۱ هستند. اولی بر تأثیر وضعیت‌ها در رفتار تأکید دارد و دومی بر اهمیت ویژگی‌های فردی در شکل‌دهی به رفتار اصرار می‌ورزد (هوتون^۲، ۱۳۹۳).

با این وصف روان‌شناسی سیاسی به‌طور کلی در دو سطح نخبگان و مردم عادی فعالیت می‌کند. نخبگان به‌عنوان تصمیم‌گیران مهم جوامع بشری که خروجی سیاست‌های تئوری و عملی‌شان می‌تواند سرنوشت افراد و کشورها را رقم بزند؛ و مردم عادی به‌مثابه افرادی که رفتارهای سیاسی‌شان - همچون پدید آوردن جنبش‌ها و انقلاب‌ها و رفتار رأی‌دهی - می‌تواند تعیین‌کننده باشد، موردبررسی و مطالعه ویژه روان‌شناسی سیاسی می‌باشند.

روان‌شناسی سیاسی رفتار سیاسی را برون‌ریزی دغدغه‌های شخصی در عرصه عمومی و نیز هر نوع فعالیت طرح‌ریزی‌شده برای رسیدن به‌برخی هدف‌های و فعالیت‌های سیاسی می‌داند که افراد به‌آن مشغول‌اند؛ از رفتارهای افراطی مانند تروریسم و جنگ گرفته تا رفتارهای دیگری مانند رفتار رأی‌گیری. همچنین دربرگیرنده سؤال‌های متفاوتی است، مانند اینکه چرا نژادپرستی رخ می‌دهد و چرا افراد در نسل‌کشی شرکت می‌کنند، مردم چگونه رأی می‌دهند و چرا دولت‌ها وارد جنگ می‌شوند. همچنین روان‌شناسی سیاسی درصدد است برخی از ضروری‌ترین سؤال‌های سیاسی را پاسخ دهد. اینکه چگونه انسان‌گرایش‌های سیاسی اولیه را می‌آموزد؟ چگونه افکار او شکل می‌پذیرد؟ چگونه افکار می‌تواند تغییر کند؟ چگونه افراد تصمیم می‌گیرند؟ چرا جمعیت‌هایی که به‌طور سنتی مطیع‌اند، به‌یک‌باره با درخواست دگرگونی، نظام مسلط را مقهور خود می‌سازند؟ چرا افراطی‌ها، افراطی و مقتدران مقتدرند؟ و از این قبیل.

درنهایت اینکه از آنجاکه اغلب پیش‌بینی علم سیاست، رفتار انسان را شامل می‌شود، بنابراین به‌نظر می‌رسد روان‌شناسی منبع طبیعی بینش‌های تحقیقات سیاسی است.

۴-۱ ریشه‌های تاریخی

ریشه تاریخی روان‌شناسی سیاسی به‌حدود یک قرن می‌رسد. محققان حوزه سیاست

1. Abnormal Psychology

2. David Patrick Houghton